



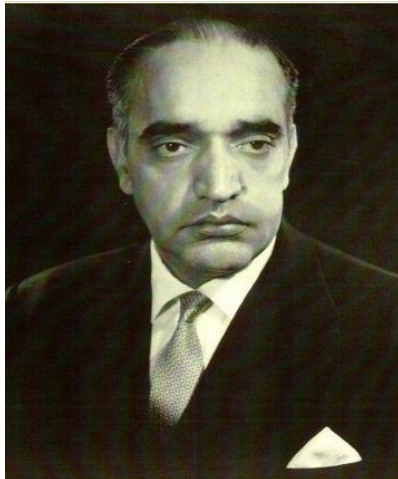
۲۰۲۰/۱۰/۰۱

مسعود صافی

## ۴۷ سالروز شهادت صدراعظم شهید وطن

### محمد هاشم میوندوال شهید

میوندوال (رح) فرزند با ایمان، شجاع و هدفمند کشور و شخصیت فرزانه، فرهیخته و محبوب ملی و آموزگار سترگ میوندوال (رح) از آغاز زندگانی اجتماعی بر خدای یگانه، افغانیت، مردم سالاری، نظام انتخابی، مساوات، نوع پروری و عدالت اجتماعی باورمند بود و از اولین وهله مأموریتش در خدمت اجتماع و مردم کشور قرار داشت و در هر مرحله



حیات اجتماعی پیوندش با مردم قوی تر و مستحکمتر میشد و مبارزه اش علیه همه عواملی که بنیان هستی جامعه را صدمه میزد قاطع تر و راسخ تر میگردید. روزی که نایب الحکومه هرات صلاح الدین خان سلجوقی بار اول میوندوال (رح) را به صدراعظم سردار محمد هاشم خان معرفی می نمودند چنین گفتند:

**(این، آن سید جمال الدین افغان است که ریش ندارد).**

حوادث کشور به اثبات رسانید که تفویض لقب سید جمال الدین افغان ثانی به میوندوال درست و بجا به اثبات رسید، همان قسمی که سید جمال الدین افغان (رح) در کردار، پندار و گفتار خویش به مثابه یک شخصیت و آموزگار

**چهل و هفتمین سالروز شهادت  
صدراعظم شهید وطن شهید میوندوال**

بزرگ ضد استعمار به مردم جهان تحت سیطره استعمار درس آزادی خواهی داد، میوندوال (رح) نیز از استبداد و بی عدالتی های مسلط اجتماعی لحظه ای غافل نبود و با طرح مفکوره دیموکراسی مترقی به مثابه یک فلسفه نوین نظام زندگانی اجتماعی، آسایش و رفاه همگانی را مژده داد و به خاطر تأمین دیموکراسی، مساوات و عدالت اجتماعی و ایجاد افغانستان مرفه، آزاد، مستقل و متکی به خود به مبارزه اش ادامه بخشید، تا اینکه در این راه خجسته به حیث یک سیاست مدار مدافع افغانستان آزاد و مستقل توسط اعمال استعمار خارجی به شهادت رسید. اگر روزی یک امیر خودسر و مطلق العنان باعث بیرون شدن سید افغانی از کشور گردید سال ها بعد یک دیکتاتور خود کامه انتقام تبلیغ دیموکراسی را در کشور از میوندوال به شقاوت بگرفت و آنرا جانگداز به شهادت رسانید.

رژیم کودتا نه تنها به قتل و شهادت شهید میوندوال اکتفا نکرد بلکه تمام دست نویس آثار انقلابی، علمی، سیاسی و اجتماعی شان را تاراج و به غارت بردند و برای اینکه تربیت آن شهید وطن زیارتگاه عام و خاص نگردد میت ایشان را نیز نعام و در مکان بی نام و بی نشان دفن نمودند.

میوندوال (رح) به حیث وارث شهدای مشروطیت به خاطر ترویج دیموکراسی گام های استوار را برداشت و در چوکات وزارت عدلیه، ریاست امور پارلمانی و در چوکات وزارت اطلاعات و کلتور، ریاست امور عامه را تأسیس نمود.

میوندوال (رح) در ماه نخستین حکومتش پروگرام تأمین ارتباط با مردم را که به نام (خلکو ته ورخم) یاد میشود روی دست گرفت، در این پروگرام ایشان توانستند به دور افتاده ترین نقاط کشور بروند و با مردم مستقیماً راجع به مشکلات شان صحبت نمایند و برای حل مشکل شان اگر ممکن می بود در همان جا اوامری به حکام محل صادر میکرد.

در تاریخ کشور برای اولین بار میوندوال (رح) تمام جایداد و دارای های منقول و غیر منقول خویش را طی یک فرمان به وزارت معارف کشور وقف کرد تا اولاد وطن از آن بهرمنند باشد. چنانچه امروز خانه شخصی وی واقع در بیت نیکه و اب شهر جلال آباد مرکز آموزش تعلیمات دینی به نام (شهید میوندوال مرکزی دارالحفاظ) بوده و جایداد کابل آن مورد استفاده وزارت معارف میباشد. در حالیکه برخی از صدراعظمان خلف و سلف او ملکیت های عامه، باغات و زمین های دولتی را در جلال آباد و کابل به تصرف خود درآوردند، که در ایام زمامداری محترم حامد کرزی وارثان آنها به نام جایداد اجداد آنها به قیمت بلند به فروش رسانیده و اسباب خوشگذرانی شان را تدارک نمودند و این فرق عمده است بین فرزندان دیار غربت و اشرافیت و خوش خدمتان آنها.

میوندوال (رح) تفاسیر چندی از آیات قران عظیم الشان را بنوشت و سبک جدید را در نگارش تفسیر معرفی نمود و در تاریخ افغانستان برای اولین بار در پهلوی تجلیل سایر مراسم ملی و مذهبی چهارده صد و مین سالگره نزول قران کریم را با برگزاری مراسم شکوهمند تجلیل نمود.

میوندوال (رح) با طرح مفکوره دیموکراسی مترقی به مثابه فلسفه نوین نظام زندگانی اجتماعی و اعلام آن از دریچه افغانستان در ملل متحد، جهان را تکان داد و هیئت حکمران افغانستان را در صف مخالفین جدی خویش قرار داد.

میوندوال (رح) به حیث وارث شهدای مشروطیت در مقام رئیس حکومت به نفع مردم، تأمین مردم سالاری، مساوات و عدالت اجتماعی، تأمین رفاه همگانی رسالت خویش را به سر رسانید و در این امر خجسته و سترگ گام های متین را برداشت و در این راستا برنامه های زیادی را روی دست داشتند اما متأسفانه در این هنگام عارضه بطنی اش عود نمود و از باعث آن در یکی از اتاق های داخله شفاخانه علی آباد که یک تن از هموطنان هزاره و یک نفر هموطن خوستی در آن بستر بودند، بستر شد و بعداً به اثر تأکید اقتدار کشور جهت درمان مکمل به خارج سفر نمودند.

میوندوال بعد از استعفا از مقام صدارت با اقتدار وداع کرد و مستقیماً در سنگر دفاع حقوق مردم قرار گرفت و به خاطر تأمین دیموکراسی، مساوات و عدالت اجتماعی به مبارزات خویش ادامه داد.

میوندوال (رح) در انتخابات پارلمانی سال ۱۳۴۸ اشتراک نموده و خود را از ولسوالی مقر کاندید نمود، دولت به خاطر ناکام ساختن میوندوال تمام امکانات خود را به کار برد تا از ورودش به پارلمان به حیث وکیل مردم مقر جلوگیری بعمل آورد.

میوندوال (رح) بارها در تظاهرات خیابانی و میتنگ های اعتراضیه که از طرف جوانان حزبش در پارک زرنگار کابل علیه ستمگری ها و بی عدالتی های نظام سلطنتی انعقاد می یافت شرکت میکرد و با ایراد بیانیه های پرشور علمی و انقلابی ماهیت حکمران را افشاء و عملکرد نادرست حکومت را به انتقاد می گرفت.

میوندوال (رح) که مرد میدان سیاست بود به دیموکراسی اعتقاد استوار داشت، به تعدد احزاب سیاسی باورمند بوده و راهی را که بدان معتقد بود بر پایه اسلامیت، افغانیت، مردم سالاری، نظام انتخابی و عدالت اجتماعی ترسیم نمود.

میوندوال (رح) که خار چشم استبداد داخلی و اجانب آزمند خارجی بود و آنها ایشان را مانع بزرگ سر راه منافع خویش در افغانستان می شناختند همواره سعی نمودند تا این سد را از سر راه خویش بردارند.

سردار محمد داود خان طرح زندانی ساختن و قتل میوندوال (رح) را قیل از به قدرت رسیدن به مقام سلطنتی بی تخت و تاج به نام ریاست دولت جمهوری به سر می پروراند.

به قول پاچا گل وفادار وزیر رژیم کودتای سرطان و یکنن از اعضای باند کودتای سرطانی، در یکی از مصاحبه هایش که در پیشاور با جریده شهادت انجام داده بود یک راز را که مردم کشور انتظار آنرا داشتند افشاء نموده گفت: در ماه های اخیر حکومت مرحوم محمد موسی شفیق سردار محمد داود خان برای من (وفادار) وظیفه سپردند تا در قطعات اردو و شهر کابل افواهاات دروغین مبنی بر کودتای میوندوال علیه سلطنت را پخش کنم، پاچا گل وفادار افزود ما این وظیفه را انجام دادیم و دو ماه بعد سردار محمد داود خان وظیفه جدیدی را برای من سپردند....

سردار محمد داود خان از پخش این افواهاات دو هدف داشت، یکی اینکه سلطنت متوجه میوندوال و حزبش شود و خودش در تبنای استعمار خارجی سمنک کودتاه را به ثمر رساند، دوم اینکه سلطنت، میوندوال را زندانی و به قتل برساند و باز هم هدف سردار داود و استعمار که همانا از بین بردن این شخصیت فرزانه کشور بود برآورده شود و در آینده افغانستان از وجود این شخصیت بزرگ ملی، فرهنگی و سیاسی تهی باشد.

میوندوال (رح) در هنگام کودتای سرطانی ۱۳۵۲ بمنظور معالجه به خارج کشور رفته بود و بعد از تداوی به کشور برگشت. هنوز از بازگشت میوندوال (رح) به کشور دو ماه نگذشته بود که سردار محمد داود خان با رسم اسلافش نخست میوندوال (رح) را به نام ملاقات به ارگ دعوت کرد و بعداً ایشان را به بهانه پوچ و میان تهی کودتا زندانی ساخت.

میوندوال که تازه از بستر بیماری برخاسته و صحتیاب شده بود مورد شکنجه طاقت فرسای جلاان قرن قرار گرفت تا اینکه چون قهرمانان بزرگ در سلول زندان استبداد به شهادت رسید اما دستگاه قائل او برای اینکه حقایق را از انظار مردم افغانستان و جهان کتمان کرده باشد شهادت میوندوال شهید را کذباً خودکشی اعلام نمود. در حالیکه سال ها بعد بیرک کارمل یکی از نزدیکان کودتای سرطان و رئیس دولت دست نشانده شوروی در مصاحبه ای در پاسخ سؤالی گفت که میوندوال توسط افسران احساساتی در زندان به شهادت رسید.

روح ایشان شاه و نامش جاویدان باد

